

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

لهو و اخوانه

بررسی پرونده غنا و موسیقی بدون پرداختن به بحث لغو و باطل و لهو و لعب کاری عبث است ما باید این چهار نهاد را مستقلاً مورد بررسی قرار دهیم.

وقتی در قرآن بررسی کردیم د قرآن حرمت مطلق لهو استفاده نمی شود.

روایات را هم نگاه کنیم و راجع به این چهار نهاد تمام کنیم

پس مشخصاً بحث ما راجع به این چهار نهاد است.

نه از آیات و نه از روایات استفاده مطلق حرمت این ها نمیشود. و هر کس هم که خلاف این را بگوید یا تتبعش ناقص است یا تحقیقش ...

و بحث باطل را هم به این شکل شروع کنیم که بسیاری از کارهایی که می کنیم باطل است. بسیاری از حرفهایی که میزنیم و یا کتابهایی که می نویسیم یا همایشهایی که برگزار می کنیم... همه به نوعی مصداق باطل اند ...

ولی نمی توان گفت که حرام است ..

باطل را نمی توان فتوا به حرمت داد ولی اگر عناوین ثانوی پیدا کند ، حالت دیگری دارد .

و اما اللعب ؛ ....

لعب وما يشقق منه : در قرآن بارها استفاده شده

● أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ

● فَوَيْلٌ لِلْيَوۡسُفِ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

● وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۚ وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

● وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ

● قرآن لعب را مذمت می کند اما حرام نمیشمارد ..

راجع به لغو :

● وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ

● وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا

● وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ

لذا یک نتیجه گرفتیم :

فما جار فی الكتاب علی اللهو جری علی اللعب واللغو

و اما کلمه باطل:

● يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ

رَحِيمًا

● وَأَخَذِ اللَّهُ الرِّبَا وَقَدَّ نُهْوًا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

● أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۚ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ

- وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ﴿٤﴾ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ ﴿٥﴾ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا
- ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ ﴿٤﴾ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ
- وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ﴿٤﴾ ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا ﴿٤﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

من در این جا نوشته ام :

ان حکم هذه العناوين بالنسبة الى آحاد المكلفين شئ و بالنسبة الى الحكومة شئ آخر فعلى الولاية والمتصددين لادارة المجتمع ان يلاحظوا الظروف و الاقتضائات و السير حسب مقتضاها و عليه فقد يتوجه اليهم الزام منع اللهو ونحوه او منع قسم خاص منهما...

در خصوص آیات قرآن ، در رابطه با لهو و لعب و ...سند که لازم نیست و آیات مشخص هم هست اما در رابطه با روایات بحث سندیت آن است که بحث برانگیز است ...

طوائف روایات راجع به لهو

روایات راجع به لهو علی طوائف است و یک دست نیست؛ طائفة منها ذکر فيها اللهون غير ذم و قدح بل فيها نوع تحسين و مدح لها

.....نعم اللهو المغزل للمرأة الصالحة

لهو المؤمن في ثلاثة اشياء : التمتع بالنساء و مفاكهة الاخوان و الصلاة بالليل....

و قسم دوم روایاتی که لهو را تقسیم می کند به لهو خوب و لهو بد ...لهو باطل و غیر باطل ...

این روایت پیامبر را دقت کنید:

كل لهو مومن باطل الا في ثلاث: في تاديبه الفرس و رميه عن قوسه و ملاعبته امرءته فانهن حق

روایاتی که فقط مذمت میکند:

پیامبر صلی الله علیه و آله: أَرْبَعٌ يُفْسِدُنَ الْقَلْبَ وَ يُنْبِتُنَ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الشَّجَرَ: إِسْتِمَاعُ اللَّهْوِ، وَ الْبَدَاءُ، وَ اِتِّبَانُ بَابِ السُّلْطَانِ، وَ طَلْبُ الصَّيْدِ. بزرگ ترین مصیبت ها، نادانی است

چهار چیز، دل را تباه می کند و در آن نفاق می رویند، همچنان که آب، درخت را می رویند: گوش دادن به سخنان بیهوده، بدزبانی، رفت و آمد به درگاه حاکمان، و شکار.

كل ما الهی عن ذكر الله فهو الميسر

اجتنبوا الملاهي و اللعب بالخواتيم و اربعة عشر و كل قمار .....

سوال این است که چه باید کرد؟ و چگونه ادله را باید مدیریت کرد؟

معلوم می شود که لهو بماهو هو نمی تواند حرام باشد ...

به هر حال ما نمی توانیم ضرورت فقه را نادیده بگیریم..هیچ فقیه سترگ فنی نباید فتوا به حرمت لهو بدهد ...

و اما لعب ...

لعب با اضافه به برخی ابزارها حرام است.

نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن اللعب بالشطرنج و النرد

ان المومن المشغول عن اللعب ...

مشغول عن به معنی اعراض است....

و اما لغو ...

علامة الفاسق اربعة اللهو و اللغو و العدوان و البهتان....

یا حضرت به ابوزر فرمودند اترك اللغو ما دمت في المسجد

من و شما بسیاری از حرفهایی که می زنی لغو است...

موضوع: باطل

باطل در روایات ما زیاد ذکر شده است؛

أَشْهَدُ أَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ بَاطِلٌ إِلَّا وَجْهَكَ جَلَّ جَلَالُكَ

یا امام در جای دیگری فرمود:

الإمام الباقر عليه السلام - لسلمة بن كهيل و الحكم ابن عتيبة - : شَرِّقًا وَ غَرِّبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَاحِحًا إِلَّا شَيْنًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ .

امام باقر عليه السلام - به سلمة بن كهيل و حکم بن عتیبه - فرمود : اگر به شرق و غرب بروید، هرگز دانش درستی را نخواهید یافت، مگر همان چیزی که از ما خاندان صادر شود.

سوالی شده از امام صادق علیه السلام در خصوص رجلی که یک روز و دو روز به شکار می رود ، آیا نماز را تمام بخواند که فرمودند: لا .. فان الصيد مسير باطل لا تقصر الصلوة فيه ...سوال این است که آیا ، این دال بر حرمت هست یا نه؟لذا نماز شکسته نمی شود چون سفر صید است نماز تمام است..

اصلا این موارد به خودی خود جای بحث دارد و این که آیا این سفر به خاطر صید حرام است؟

صاحب جواهر از فقیهی به نام مقدس بغدادی نقل می کند که:

ان ذلك بمثابة التنزه في البساتين و التفرج بالمنازل الجميلة و غيرها مما قضت السيرة القطعية باباحتها (كتاب الصلوة آقای خویی ج 8ص114)

به هر حال برخی هستند که از راه شکار امرار معاش میکنند و کسی هم اعتقاد ندارد که کار این ها حرام است...سوال این است که با این حال باید گفت نماز تمام است یا نه ؟اصلا این که سفر صید حرام است ؛ دلیل این که کل باطل حرام کجاست؟آیا فقه به این شکل فتوا می دهد ؟ فقیه هم فتوا میدهد؛برخی ممکن است ادعا کنند که ما به این شکل فتوا میدهم..که باید گفت این کار و این ادعا اشتباه است...

و اگر کسی هم همراه با کسی شد که می خواهد به شکار رود، راجع به این شخص گفته اند که نماز او شکسته است...

حدیث آن را هم برایتان بخوانم:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَصَيَّدُ الْيَوْمَ وَالْيَوْمَيْنِ وَ الثَّلَاثَةَ أَ يَقْصِرُ الصَّلَاةَ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ يُشَيِّعَ الرَّجُلُ أَخَاهُ فِي الدِّينِ وَ إِنَّ التَّصَيِّدَ مَسِيرٌ بَاطِلٌ لَا تُقْصَرُ الصَّلَاةُ فِيهِ وَ قَالَ يَقْصِرُ إِذَا شَيِّعَ أَخَاهُ .

ابن بکیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی که يك - یا دو و یا سه - روز برای شکار می رود، آیا نمازش را شکسته بخواند؟

فرمود: نه، مگر آن که برادر دینی خود را مشایعت و بدرقه کند؛ زیرا رفتن به شکار مسیر باطلی است که نماز در آن قصر نمی شود.

همچنین فرمود: هرگاه انسان برادر دینی خود را مشایعت کند، باید نماز را قصر به جا آورد.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرِّيَّانِ عَنْ يُونُسَ قَالَ: سَأَلْتُ الخُرَّاسَانِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قُلْتُ إِنَّ الْعَبَّاسِيَّ ذَكَرَ أَنَّكَ تُرَخِّصُ فِي الْغِنَاءِ فَقَالَ كَذَبَ الزَّنْدِيقُ مَا هَكَذَا قُلْتُ لَهُ سَأَلْنِي عَنِ الْغِنَاءِ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ رَجُلًا أَتَى أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلَهُ عَنِ الْغِنَاءِ فَقَالَ يَا فُلَانُ إِذَا مَيَّزَ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ فَأَتَى يَكُونُ الْغِنَاءُ فَقَالَ مَعَ الْبَاطِلِ فَقَالَ قَدْ حَكَمْتَ

... از امام رضا ع پرسیدم : شخصی از عباسیان نقل کرده که شما فرموده اید غناء جایز است . فرمود: آن زندیق دروغ گفته

است . من چنین حرفی نزده ام . او از من درباره غناء پرسید و من به او گفتم : کسی نزد امام باقر آمد و از غناء پرسید.

فرمود: فلانی، هنگامی که خداوند حق و باطل را از هم جدا کند، جای غناء کجاست ؟ گفت : در شمار باطل می آید. فرمود: سخنی استوار گفתי.

ممکن است کسی بگوید این حدیث از آن این مطلب استخراج میشود که هر چه با باطل باشد حرام است.. و یا هر چه باطل

باشد، حرام است.

مگر این که باطل در قالب خاصی مثل غنا باشد ..یا باطل در قالب صید و یا باطل در قالب غیبت و یا باطل در قالب تهمت ..  
و یا هست که الشطرنج من الباطل ...  
و کل باطل حرام پس الشطرنج حرام؟  
به هر حال این مشکل را ما داریم که هر باطلی را نمی توانیم حرام بدانیم.  
و یا یک جایی دارد که الباطل لا خیر فیه  
از مجموع این ها نمیشود استفاده کرد که این عناوین حرام است.  
من این جا آمدم و روایات را شش دسته کردم و در هیچ کدام هم به حرمت نرسیدیم...مگر این که در قالب یک حرامی متجسد  
شود.

این عناوین چهارگانه بماهو هو حرمت ندارد.

نتیجه این که برای اثبات حرمت باید از غیر این کانالها پیش برویم .اگر عمری بود و توفیق بود در جلسات بعد وارد خود ادله  
غنا و موسیقی می شویم.

**الحمد لله رب العالمین**